اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت بیست و یکم)

بدون حمایت خدا نمیتوان نجات یافت

یکی از حربه های مهم شیاطین جهت وارد کردن افراد در جادو این است که افراد را در کانالی می اندازند که مورد حمایت و توجه خدا قرار نگیرند. خدای مهربان زمانی که ما را آفرید، از روح خویش در ما دمید و این روح کمکی است از طرف خدا برای ما. ما جزئیات زیادی از روح نمی دانیم ولی روح و ملائکه در شب قدر برای کارهای مقرر شده به دنیای انسانها وارد و تنزل پیدا میکنند و امور خدای مهربان را به اجرا می گذارند.

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿۴﴾

در آن [شب] فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند (۴)

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

[آن شب] تا دم صبح صلح و سلام است (٥)

از آنجا که ما به گفته خدا در قرآن، جزئیات زیادی از روح نمی دانیم؛ بهتر است که وارد جزئیات مبهم نشویم و فقط چیزهایی را ذکر کنیم که از طریق قرآن و کتب آسمانی به ما رسیده است.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾

و در باره روح از تو می پرسند بگو روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است (٨٥)

ما بدون کمک و حمایت خدا، مشکلات زیادی خواهیم داشت. خدا به همین خاطر لیست کارهایی که دوست دارد را فرموده است . لیست جملاتی در قرآن که در آن خدا اشاره فرموده است که حق تعالی این کارها و یا گروهها را دوست دارد. خدا محسنین، توابین، متطهرین، متوکلین، مقسطین،متقین، صابرین و مجاهدین در راه خدا را دوست دارد.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

انّ الله يحب المطهّرين

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ

و لیستی از آیات که در آن خدا اشاره فرموده است که حق تعالی این نوع امور را دوست ندارد. خدا فساد، معتدین، خائنین، کفور، کافرین، فرحین، مفسدین، مختال فخور، مسرفین، متکبرین و ظالمین را دوست ندارد.

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ
لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظُلِمَ
وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

وقتی خدای حکیم از دوست داشتن این امور صحبت می کند، یعنی خدا به افراد دارای این خصوصیات توجه میکند و سر گردنه ها و بزنگاهها، کمکشان میکند و دست آنان را می گیرد. اما وقتی خدای حکیم از دوست نداشتن یک سری امور صحبت می کند، یعنی خدا به افراد دارای این خصوصیات توجه نمیکند و در سر گردنه ها و بزنگاهها، کمکشان نمیکند و دست آنان را نمی گیرد. هر صفت خوبی که حب خدا را داشته باشد؛ مثل یک طناب است که ما را از افتادنها نگه میدارد. وقتی خدا می فرماید که: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ **و از طرف دیگر می فرماید که یوسف جزو محسنین بود. پس یوسف طناب محکمی را دارد که از افتادنش جلوگیری می کند.**

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۲۲﴾
و چون به حد رشد رسید او را حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم (۲۲)

به خاطر همین ریسمان محکم بود که سر بزنگاه زن عزیز مصر، یوسف منحرف نشد.

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿۲۴﴾

و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او میکرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود (۲۴)

یعقوب صفات خوب زیادی داشت که خدا این صفات را دوست دارد. بنابراین خدا او را کمک کرد و یعقوب هیچوقت امیدش را از دست نداد.

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴿۸۷﴾

ای پسران من بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود (۸۷)

ریسمان خدا صفاتی هستند که خدا آن صفات را دوست دارد و ما باید آن صفات را در خود پرورش دهیم و همچنین از صفاتی که خدا دوست ندارد، اجتناب کنیم. بعد از رعایت این نکات است که ما میتوانیم پشتیبانی خدا را داشته باشیم و خدا در آن حالت هوای ما را دارد.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند باشد که شما راه یابید (۱۰۳)

کسی که ظالم و مستکبر است و از این کارش توبه نکرده است، خدا هم او را دوست ندارد و در نتیجه به او توجه نمی کند و در مشکلات او را یاری نمی کند. اما کسی که صبور است و متقی است (وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ؛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ) **، خدا آنان را همراهی میکند** (وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ؛ أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ)**. فرمولها خیلی ساده هستند و برای همه قابل درک و فهم هستند. اگر انسان بتواند چند صفت خوب از صفات بالا را در خودش تقویت کند و بر آنها مراقبت کند و با ریا و دروغ قاطی نکند؛ خدا در نقطه ضعفها هوایش را دارد.**

روح خدا دقیقا اینهاست که در شب قدر نازل میشود و بطور نادیدنی افراد با صفات خوب را کمک میکند. اگر در کره زمین کمکهای خدا نباشد، ما نمیتوانیم زندگی کنیم و انسانها خیلی زود همدیگر را میخورند و نابود میکنند. در جهنم روح و کمکها و توجه های خدا وجود ندارد. به همین خاطر همه افراد همیشه دچار درد و عذابند.

به گفته قرآن؛ خدا محسنین، توابین، متطهرین، متوکلین، مقسطین،متقین، صابرین و مجاهدین در راه خدا را دوست دارد؛ اما فساد، معتدین، خائنین، کفور، کافرین،

فرحین، مفسدین، مختال فخور، مسرفین، متکبرین و ظالمین را دوست ندارد. کسی که صفتهایی را که خدا آن صفات را دوست دارد، داشته باشد و همزمان صفات بد که خدا دوست ندارد را هم داشته باشد؛ یعنی اینکه در صفات خوب دچار ریا شده است. مگر ممکن است که یکی جزو متطهرین و مقسطین باشد و در عین حال مسرفین و مفسدین هم باشد؛ در این حالت یک جای کار می لنگد. ریا و تظاهر میتواند در هرکدام از صفات خوب قاطی شود و آنان را ناخالص کند. به همین خاطر خدا میفرماید که مخلصین از دست شیطان در امانند. زیرا مخلصین صفات خوب را با بد قاطی نمی کنند.

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۲﴾

[شیطان] گفت پس به عزت تو سوگند كه همگی را جدا از راه به در می برم (۸۲)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿۸۳﴾

مگر آن بندگان پاكدل تو را (۸۳)

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿۸۴﴾

فرمود حق [از من] است و حق را می گويم (۸۴)

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۸۵﴾

هرآينه جهنم را از تو و از هر كس از آنان كه تو را پيروی كند از همگيشان خواهم انباشت (۸۵)

بنابراین شیطان سعی دارد که افراد را جادو کرده و صفات خوب و بد را با هم قاطی کند و افراد را از حالت اخلاص خارج کند. زیرا در حالتی که افراد خلوصیت خویش را از دست دهند؛ خیلی راحت کمکها و توجهات خدا را از دست داده و در معرض تله و دامهای شیطان قرار می گیرند. وقتی در حیطه صفاتی که خدا دوست دارد قرار نگیری؛ قطعا در تیررس جادوی شیاطین قرار خواهید گرفت و حالت سومی وجود ندارد.

صفاتی که خدا دوست دارد و صفاتی که دوست ندارد را باید مد نظر داشته باشیم و در زندگی بر طبق این صفات بندگی کنیم. ما بنده ایم و محتاج خدا. بنابراین باید بنده خدا باشیم و نباید دنبال صفاتی بگردیم که مخصوص خداست. شیطان خیلی ها را در تاریخ منحرف کرد و آنان بجای تقویت صفات بندگی در خود؛ دنبال نیروها و صفات خدایی رفتند. مثلا آنان دنبال این رفتند که چطوری با دو پای خویش روی آب راه بروند! غافل از اینکه که خدا به ما نصیحت میکند که چطوری روی خشکی زمین راه برویم و طریقه راه رفتن روی زمین را به ما یاد میدهد.

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾

و در [روی] زمین به نخوت گام برمدار چرا که هرگز زمین را نمی توانی شکافت و در بلندی به کوهها نمی توانی رسید (٣٧)

شیطان مردم را دنبال نیروهای موهوم می فرستد و به آنان وعده رسیدن به صفات و نیروهای برتر میدهد. در حالی که خدا صفات بندگی را از ما میخواهد، خدا راه رفتن روی آب را از ما نمیخواهد. اما ما در عوض میتوانیم بوسیله پیشرفت علمی خویش، وسیله ای اختراع کنیم تا روی آب راه برود و کمکی برای رفاه بشر باشد. افرادی که دنبال صفات خدایی میروند، در دام شیطان افتاده و جادو میشوند.

بنابراین کراماتی که از افراد در تاریخ نقل میشود؛ همچون راه رفتن روی آب و راه رفتن روی زغال و ... هیچکدام ارزشی ندارند و همگی در حالت خلسگی پیش می آمده است. کسی که روی زغال راه میرود و این را کرامتی برای خود بحساب می آورد؛ به نوعی با فروختن روان خویش به شیطان، متاع بسیار بی ارزشی را بدست آورده است. واقعا راه رفتن روی زغال چه مشکلی از بشریت حل میکند؟

آیا بهتر نیست که بشر روی صفاتی همچون محسنین، متقین، توابین و ... کار کند تا مثل یک شیطان نباشد و به این طریق محیطی لذت بخش و امن برای زندگی اطرافیان خویش فراهم سازد.